


پژوهشی در باره

سکه‌های بهرام ششم (چوبینه)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پرآمال جامع علوم انسانی

از :

ملکزاده بیانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابخانه مبارک و سرمده فیضیه

کتابخانه ملی ایران مجله فیضیه

پژوهشی در باره

سکه‌های بهرام ششم (چوبینه)

مقدمه

در دوره شاهنشاهی ساسانی هفت خاندان در بین طبقات حاکمه از همه برتر و ممتازتر بودند. این هفت خاندان غیر از خاندان ساسانی عبارتند از: خاندان کارن، سورن، اسپهبد، اسپندیاد، مهران و زیک، که در بین آنان خاندان کارن و سورن و اسپهبد و مهران از تیره اقوام مهم پارتی بودند. ^۱ رؤسای این خاندان‌ها چه در دوران شاهنشاهی پارت و چه «دوران ساسانی مقام والای خود را حفظ کرده خدمات مؤثری به کشور خود نمودند و نقش بسیار مؤثری از جهات مختلف سیاسی و مملکتداری بعهده داشته‌اند.

در شورای بزرگ پارتیان مجلس و سپوهرگان **Vaspuhrak**

(مجلس اشراف)، نمایندگان این خاندان‌ها شرکت داشتند و بهنگام مراسم تاجگذاری یکی از رؤسای این خاندان‌ها تاج را بر سر شاه

۱ - ر ک : ایران در زمان ساسانیان تألیف کریستن سن ترجمه رشید یاسمی

«انتساب به سلسله اشکانی را علامت امتیاز میدانستند». (ص - ۱۲۴).

می نهاد، و نظر شاه در تعیین ولیعهد نیز با تأیید این مجلس صورت می گرفت .

در دوره ساسانی که بسیاری از امور و اصول کشورداری بر اساس دوران هخامنشی و پارتی صورت می گرفت، امتیازات این خاندانها همچنان برقرار بود و شورای سلطنتی برای جانشینی هر یک از شاهنشاهان با حضور نماینده این هفت خاندان تشکیل میگردید و مقام و مرتبت رؤسای این خاندان ها چه پارسی و چه پارتی ، بحدی بود که اجازه داشتند در مراسم رسمی، تاجی که از تاج شاهنشاهی کوچکتر بود، بسر نهند .

خدماتی که سران و افراد این خاندان ها به دولت ساسانی نمودند موارد بسیار دارد . ولی آنچه در این مختصر مورد نظر است تحقیق درباره سکه های بهرام ششم (بهرام چوبینه) می باشد که از خاندان نام آور مهرا ن پارتی بود که بواسطه دلاوریهای که در حفظ و حراست ایران زمین در مقابل بیگانگان ابراز داشت، مورد حمایت مردم و سپاهیان قرار گرفت و بالاخره تاج و تخت شاهی نصیب وی گردید . خاندان مهرا ن از ری بودند و در ری و پارس ^۲ که زادگاه

دودمان ساسانی است، املاک وسیع داشتند و صاحب مقامات بزرگ بودند که نام تعدادی از آنان در سنگ نوشته ها یا در تواریخ آندوران بارها آمده است .

درفهرست بزرگان دربار شاپور اول در کتیبه کعبه زرتشت از دبیری (دبیرپد) بنام ارشتات یاد شده که از خاندان مهرا ن پارتی و اهل ری بوده ، آمده است .^۳

یزدگرد دوم در سال (۴۵۷م) در گذشت و پسر بزرگ او هرمز سوم که در سگستان (سیستان) حکومت داشت به تخت نشست . برادر

۲- « رودخانه مهرا ن در ایالت پارس نیز منسوب به این دودمان است »
ر ک : کریستن سن « نقل از طبری » (ص - ۱۲۶)

۳ - ر ک : تمدن ایران ساسانی ، تألیف لوکونین ترجمه عنایت الله رضا
« ارشتات دبیر از مهرا ن ها و از شهرری » (ص - ۱۰۸)

کوچکتر، پیروز ادعای سلطنت نمود و در جنگی که بین این دو شاهزاده روی داد^۴ رهام از خاندان مهران که یکی از بزرگان صاحب قدرت بود، هرمن را شکست داد و پیروز را بر تخت نشاند. در موقعی که پیروز در جنگ با هیتالیان کشته شد (سال ۴۸۴م) یکی از سرداران وی بنام شاهپور مهران^۵ در ارمنستان بود و چون خبر مرگ پیروز به او رسید با عجله خود را به تیسفون رساند تا نظر خود را در انتخاب شاهنشاه تازه بکاربرد. در دوران شهریاری قباد اول، شاهپور مهران مقام بسیار مهم ایران (اسپهبد) را داشت^۶ و عهدنامه متارکه جنگ ایران با رومیان در سال (۵۰۵م) را وی منعقد ساخت.

یکی از مقامات مهم دوران ساسانیان که جنبه لشگری و کشوری داشت، مقام مرزبان بود که معمولاً این سمت به بزرگان کشور یا یکی از شاهزادگان داده می‌شد. چنانکه شاهزاده نرسی برادر بهرام پنجم (بهرام گور) عنوان و مقام مرزبان کوشان گرفت. یکی از امتیازات مرزبان افتخار داشتن تخت نقره بود. مرزبان شهردار می‌توانست به تخت زرین بنشیند.

مرزبانی ری بمعده افراد خاندان مهران بود چنانکه افراد این خاندان را رازی می‌گفتند.

دردوره شهریاری خسرو اول (انوشیروان) شهرین که از

۴- درگیردار جنگ بین دو برادر مادرشان ملکه دینک در تیسفون سلطنت میکرد. از این ملکه مهر بسیار زیبایی درموزه لنینگراد موجود است. ر ک سیمای شاهان و نام‌آوران ایران تألیف ملک زاده بیانی و اسمعیل رضوانی (ص - ۶۳).

۵- ر ک : کریستن‌سن «که از مردم ری و خاندان مشهور مهران بود» (ص - ۳۱۸).

۶- دختر شاپور مهران نیز زن قباد و ملکه ایران بوده است در اخبار الطوال سمت شاپور چنین آمده است «شاپور رازی که از فرزندان مهران بزرگ و عامل او نیز در بابل» (ص - ۶۹).

خاندان مهران است مرزبان بیت درائی و سرزمین کاسبی ها^۷ بود. چندین هزار سوار بوده است.

پیران گشنسب از همین خاندان مرزبان منطقه اران و فرمانده چندین هزار سوار بوده است.

پس از درگذشت شمرین پسرش گشن یزداد چون از دین زرتشت به عیسویت گروید، اموال او را عمش ضبط کرد و چون او درگذشت گشن یزداد همه اموال را متصرف شد و در بین فقرا تقسیم نمود.^۸ مهمترین فرد از این دودمان اصیل پارسی، بهرام چوبین فرزند بهرام گشنسب است که شاهنشاه ایران زمین گردید.

ری از قدیم الایام جزو تیول خاندان مهران بود و بهرام گشنسب پدر بهرام چوبین که اهل ری بود، مرزبانی ری را بعهده داشت. در باب نسب بهرام چوبین در تاریخ بلعمی چنین آمده است: «بهرام بن بهرام جشنس بود و نسب وی به گرگین میلاد کشد و اصل بهرام از ری بود، از ملک زادگان و اسپهبدان ری بود و اندر آن زمان هیچکس مردانه تر و مبارزتر نبود و بگونه سیاه چرده بود به بالادراز و خشک بود و از بهر آن چوبین گفتند»^۹ فردوسی بهرام چوبین را از نواده گرگین میلاد و آرش میدانند^{۱۰} بهرام چوبین که سرداری بالیاقت و کارآمد بود نوشیروان او را سپهبد و مرزبان ارمنستان و آذربایجان ری و جبال و جرجان و طبرستان نمود. هرمن چهارم (۷۹-۵۹۰) برای دفع خاقان ترک، بهرام را که در ارمنستان

۷- بیت درائی قسمتی از هگمتانه (همدان) سرزمین کاسی ها منطقه زاگرس کرمانشاهان و لرستان بوده است.

۸- «این مطلب در نامه تنسر آمده است» برای مزید اطلاع. رک. کریستن سن (ص - ۳۴۱).

۹- تاریخ طبری (ص - ۱۸۲).

۱۰- برای مزید اطلاع رک: زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه نگارش محمد علی اسلامی ندوشن (ص - ۳۹۶ تا ۴۳۳).

بود به حضور طلبید^{۱۱} و با احترام فراوان قصد خود را به او ابراز داشت و او را با عنوان سپهبد خراسان^{۱۲} مأمور دفع ترکان ساخت که سرحدات شمال و مشرق را مورد تاخت و تاز قرار داده بودند. در تاریخ طبری چنین آمده است «و هرمنز سخت بیمناک شد و به مشورت پرداخت ... او بهرام جشنس را که از مردم ری بود و به نام چوبین شهره بود با دوازده هزار برگزید بسوی ترکان فرستاد» ترجمه پاینده. ۱۳

شاهنشاه ساسانی هرمنز دستور داد تا خزائن و اموال و اسلحه و هرگونه ابزار جنگی در اختیار بهرام گذاشتند و خود وی وقتی بهرام از پایتخت (تیسفون) با سپاهیان حرکت کرد او را بدرقه کرد. بهرام ترکان را شکست سختی داد و غنائم بیشماری بدست آورد و از جمله تخت زرین خاقان که تمام آنرا که بوسیله سیصد شتر حمل گردید، برای هرمنز فرستاد^{۱۴} سپس بهرام به فرماندهی کل نیروی ایران برای جنگ با رومیان منصوب گردید، ولی در این جنگ شکست نصیب وی شد، شاید یکی از جهات شکست وی کمک کافی نرساندن دستگاه دولتی است که در باطن از محبوبیت بهرام نزد سپاهیانش بیمناک بودند. نامرادی بهرام چوبین در جنگ موجب گردید تا هرمنز او را باطرزی نامطلوب از فرماندهی خلع کند. این عمل باعث

۱۱- ر ك : اخبار الطوال، تألیف دینوری ترجمه صادق نشأت (ص - ۸۴).
 ر ك : تاریخ طبری «ترکان برضد هرمنز برخاستند و شابه پادشاه بزرگ ترکان بسال یازدهم پادشاهی وی با سیصد هزار سپاه تا بادغیس و هرات پیش آمد». (ص - ۷۲۶).

۱۲- فردوسی می گوید :

هر آن کس که جست از یلان نام را
 بدو گفت سالار لشکر توئی
 ۱۳- طبری (ص - ۷۲۶).

۱۴- برای مزید اطلاع . ر ك : اخبار الطوال (ص - ۸۷) . ر ك : تاریخ طبری «از قلعه وی گنج‌های فراوان به غنیمت گرفت، گویند از غنائم جنگ از مال و جواهر و آبگینه و سلا و کالاهای دیگر دویست و پنجاه هزار شتر بار برای هرمنز فرستاد و هرمنز بهرام را از آن همه غنیمت سپاس گفت» (ص - ۷۲۷).

دلگیری او و سپاهیانش گردید .

بهرام چوبینه بدون تردید در نهایت صداقت و مردانگی در مقام خود که سرداری سپاه باشد، چه در زمان خسروانوشیروان و چه در دوره شهبازی هرمن چهارم ، خدمت کرد و نهایت کوشش را برای پیشرفت و راندن بیگانگان از ایران زمین بکار برده است . ناسپاسیها و حسدها ، اورا که مردی حساس و لایق و درست و صاحب رای بود ، آزرده خاطر ساخت ، بی بندوباری و عنان گسیختگی بزرگان و کشورمداران که موجب نابسامانی دستگاه های مملکتی گردیده بود ، از سوئی و بی توجهی هرمن دوم نسبت بوی که در باطن از بهرام هراسناک بود و بگفته طبری «عیب او آن بود که مردمان بزرگ را خرد داشتی و حق ایشان نشناختی» از سوی دیگر ، اورا دلسرد و از وی روگردان نمود . لذا علاقه زیاد سپاهیان و بزرگان هم رای و اندیشه بوی ، بهرام را برانگیخت که قد علم کند و سکان کشتی ملک را که به غرقاب سقوط نزدیک بود ، بدست گیرد و باس انگشت تدبیر به مسیر صحیح سوق دهد .

در این مورد اظهار نظر نویسنده «زندگی و مرگ پهلوانان» در شاهنامه بسیار دقیق و متین است . وی چنین گوید «بهرام چوبینه اگر اوضاع زمان خود را آشفته و بخت را از خاندان ساسانی برگشته نمیدید جرات عصیان نمیافت» .^{۱۵}

محتمل است که بهرام چوبینه قبل از اینکه بفکر بدست آوردن تخت و تاج باشد در صدد برآمد که پسر هرمن چهارم ، خسرو پرویز را بشاهی به نشاند . زیرا زمانی که آشفته خاطر بر ضد هرمن چهارم قیام کرده بود و با سپاهیان خود در ری اقامت داشت و بضر بسکه با تصویر خسرو پرویز اقدام نمود و دستور داد پس از آماده شدن محرمانه به تیسفون

۱۵- ر ك . زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه تألیف محمدعلی اسلامی ندوشن (ص - ۳۹۱) .

برده بین مردم پایتخت توزیع نمایند.^{۱۶} این اقدام را میتوان نوعی تدبیر برای متشنج کردن اوضاع و اختلاف بین شاه و ولیعهد دانست.^{۱۷}

بدون تردید بستام (وستهم) بطریقی از اندیشه بهرام آگاهی پیدا کرد و خودمقدم در برانداختن شاه گردید و باکمک برادرش بندوی (وندوی) هرگز را دستگیر و زندانی نمودند و خسرو پرویز را بشاهی برداشتند سال (۵۹۰)^{۱۸}

بدستور بستام هرگز را کور کردند و چندی بعد او را کشتند.^{۱۹} خسرو پرویز که هر آذربایجان بود باشتاب خود را به تیسفون رسانید و تاج بر سر نهاد. اما بهرام چوبینه حاضر نشد پس از اینهمه نارواییها بفرمان پرویز درآید و خود را که از دودمان مهران و شاهنشاهان پارت میدانست در امر سلطنت محق میپنداشت، با سپاهیان خود به تیسفون نزدیک شد و خسرو که تاب مقاومت در خود

۱۶- در اخبار الطوال چنین آمده است (بهرام با سپاه خویش سوی عراق رهسپار گشت و چرن به ری رسید در آنجا اقامت کرد و سکه‌ای برای ضرب درهم با تصویر خسرو پرویز تهیه کرده و ده هزار درهم از روی آن فراهم آورده دستور داد که آنها را محرمانه به مدائن ببرند و بین مردم بخش کنند) (ص - ۸۹)، فردوسی گوید: «بسازند و آرایش نو کنند درم مهر بر نام خسرو کنند».

۱۷- دینوری گوید (چون خسرو از ابن ماجرا آگاه گشت، یقین کرد که این دسیسه با دست پسرش خسرو پرویز فراهم شده است و او هوس سلطنت را به سر دارد و هم اوست که فرمان به ضرب سکه‌ها داده است و اتفاقاً منظور بهرام نیز همین بود) (ص - ۸۹).

۱۸- بسطام و بندوی از شاهزادگان ساسانی و برادرهای ملکه زن هرمز چهارم بودند و هر دو مورد سوء ظن واقع شدند و به امر هرمز به زندان افتادند.

۱۹- رگ: کریستن سن، ایران در زمان ساسانیان (بنابر رای تئوفیلاکتوس، آن کار به امر خسرو واقع شد و بعضی گویند خسرو رضایت ضمنی در قتل او داده بود) (ص - ۴۶۵).

دینوری گوید (بندویه و بسطام دانی های خسرو گفتند ما شر هرمز را از شما دور میسازیم از آنجا بقصد اجرای تصمیم خود بازگشتند تا به درون کاخ پادشاهی رسیدند و به اقامتگاه هرمز درآمدند. . . دستاری برگردن هرمز افکندند و بقدری فشار دادند تا جان داد. اخبار الطوال (ص - ۹۴).

نمیدید، ناچار پایتخت را ترک کرد. بگفته طبری «جنگها در میانه رفت و پرویز به ناچار از پس جنگها و شبیخونها که باهمدیگرداشتند فراری شد و به کمک خواهی سوی پادشاه روم رفت»^{۲۰} بهرام چوبینه پس از شکست دادن سپاهیان خسرو پرویز پیروزمندانه به پایتخت درآمد بنام بهرام ششم تاج شاهی بر سر نهاد^{۲۱}

بنا بر معمول از همان تاریخ ضرابخانه پایتخت بنام وی به ضرب سکه پرداخت (سال ۵۹۰ م). کتابخانه مد

دوران شهریاری بهرام ششم با وجود آنکه طرف محبت مردم ایران زمین و سپاهیان بود^{۲۲} بسیار کوتاه گردید. زیرا خسرو پرویز با کمک سپاهیان رومی امپراتور موریس Maurice ۵۳۹-۶۰۲ م^{۲۳} در قبال واگذاری قسمتی از ارمنستان به دولت روم و گذشت از خراجی که رومیان بایران میپرداختند^{۲۴} در بهار سال (۵۹۱ م) بسوی تیسفون روانه گشت و از دجله گذشت و در حوالی (شین)

۲۰- تاریخ طبری جلد دوم (ص - ۷۲۷).

۲۱- در مورد مخالفت بهرام نسبت به خسرو پرویز چنین بنظر میرسد که خواهر وی گردیده با این عمل موافق نبوده و برادر خود را ملامت نموده است. طبری گوید «بهرام را خواهری گردیده نام که زنی کامل و شایسته بود و او را بزنی گرفته بود و گردیده بهرام را از بد زبانی که با شاه کرده بود سرزنش کرد و از او خواست که به اطاعت شاه درآید» تاریخ طبری جلد دوم (ص - ۷۳۱).

۲۲- در بین طبقات مختلف، روحانیان که مورد حمایت دربار ساسانی بودند و بهره فراوان میبردند سعی در کارشکنی کرده و با سلطنت بهرام مخالف بودند.

۲۳- در کتاب التنبیه والاشراف چنین آمده است «وقتی بهرام چوبین خسرو پرویز پسر هرمز پسر نوشیروان را شکست داد و پادشاهی بگرفت به موریق (موریس) پناه برد و از او کمک خواست. موریق به او کمک داد و مریم دختر خویش را زن او کرد» (ص - ۱۴۱).

۲۴- طبری جلد دوم «و شرط نهاد که پرویز باجی را که پدرانش از شاهان روم میگرفته بودند نخواهد» (ص - ۷۳۲).

کنزك^{۲۵} آذربایجان سپاهیان بهرام را شکست داد. دینوری گوید «که خسرو پرویز و بهرام در هنگام جنگ با یکدیگر پیکار کردند و يك ساعت پیکار آنان طول کشید و خسرو از میدان بهرام فرار کرد و خود را به بالای کوه رساند»^{۲۶}. چون سپاهیان بهرام شکست خوردند و بیشتر آنان جانب خسرو پرویز را گرفتند، بهرام ششم به دیار ترکان پناه برد و در بلخ ساکن گردید.

خسرو از احترامی که خاقان نسبت به بهرام ابراز می‌داشت سخت نگران گردید و ترسید مبادا با کمک خاقان بتواند سپاهی فراهم آورد و به جنگ او باز گردد، لذا هرمنز در ابزین (جرانبزین)^{۲۸} را با ارمغان‌های گرانبها سوی خاقان فرستاد، تا بهر وسیله که می‌تواند نظر او را نسبت به بهرام مشوب سازد. هرمنز هدایای خسرو پرویز را به خاقان تقدیم‌داشت و با انواع حیل سعی نمود نظر وی را طبق دستورهای خسرو، جلب نماید و بهرام را در نظر خاقان خفیف سازد. گفته‌های هرمنز اثر معکوس بخشید و خاقان خشمگین گردید و او را از نزد خود راند. ولی بر اثر تحریکات وی ملکه همسر خاقان با وی همدل گردید و وجود

۲۵ - کنزك یا گنجك، تخت سلیمان کنونی (از بخش تکاب شهرستان مراغه)، محل آتشکده آذرگشنسب است که آتشکده‌ای بسیار مهم و محل آتش شاهنشاهی ایران بود، شاهنشاهان ساسانی بنا بر احترامی که باین آتشکده داشتند در مواقع گرفتاری و سختی به آنجا رو آورده و هدایائی بعنوان نذر با خود می‌آوردند. خسرو دوم (پرویز) نیز نذر کرد که اگر موفق به مغلوب نمودن بهرام چوبینه بشود، زینت‌های زر و هدیه‌های سیم به آذرگشنسب بفرستند و خسرو بوعده وفا کرد. ر.ک: کریستن سن (ص - ۱۰۱).

۲۶ - ر.ک: اخبار الطوال (ص - ۱۰۱).

۲۷ - در اخبار الطوال چنین آمده است «به دیار ترك برفت تا خاقان را به بیند، چون این خبر به خاقان رسید طرخانان خود را دستور داد تا از بهرام استقبال کنند» (ص - ۱۰۳) «سپس فرمان داد برای بهرام و یارانش شهری بسازند و در وسط آن کاخی بنا کنند تا مقر بهرام و همراهانش باشد» (ص - ۱۰۴).

۲۸ - در شاهنامه نام فرستاده خسرو (خراد برزین) آمده است «به خرداد برزین چنین گفت شاه».

بهرام را برای شوهر و فرزند خود خطرناك دانست و اقدام بقتل وی نمود . ۲۹

در تاریخ طبری چنین آمده است . «بهرام در میان ترکان میزیست و به نزد آنان محترم بود و پرویز در کار وی حيله کرد و مردی بنام هرمز را با گوهری گرانقدر و چیزهای دیگر سوی ترکان فرستاد که وسیله برانگیخت و گوهر را بار دیگر تحفه ها به خاتون زن شاه داد و او کس فرستاد و بهرام را بکشت» ۳۰ . در شاهنامه در باره تألم و تأثر گریه خواهر بهرام بسیار مفصل آمده است و ضمن ابراز اندوه، صفات ممتاز و دلیری او را ستوده است . ۳۱ خاقان از کشته شدن بهرام بسیار اندوهگین گردید و تصمیم به کشتن ملکه گرفت ولی بواسطه علاقه زیادی که پسرش به مادر خود داشت از کشتن او منصرف گردید . ۳

خاقان دستور داد که با احترام هرچه تمامتر بهرام را در دخمه ای دفن کردند و به نزدیکان و یاران وی بخصوص گردیه خواهر بهرام نهایت ملاحظت و مهربانی را نمود . در تاریخ طبری آمده است که «خاقان کسی را به پیش گردیه فرستاد و غم خویش را از حادثه بهرام بگفت و از او خواست که زن برادر

۲۹- ر ك : اخبار الطوال (ص - ۱۰۷ و ۱۰۸) .

۳۰- تاریخ طبری جلد دوم (ص - ۷۳۳)

۳۱- ر ك : شاهنامه جلد پنجم بکوشش دبیر سیاقی (ص - ۲۴۴۱)

« همی گفت زار ای سوار دلیر

ز تو بیشه بگذاشتی نره شیر

که برد این ستون جهانرا ز جای

به اندیشه بد که شد رهنمای

الا یا سوار سپهبد تننا

جهانگیر و بی باک و شیر افکنا

که کند این چنین سبز سرو سہی

که افکند خوار این کلاه سہی »

۳۲- اخبار الطوال (ص - ۱۰۹) .

۳۳- گردیه را نیز زن بهرام ششم گفته اند ر ك . طبری (ص - ۷۳۴) .

خاقان شود و گردیه قبول ننمود و با همه سپاهیان که همراه بهرام در بلخ بودند، دیار ترکان را ترك کرد، گردیه که زنی بسیار آراسته و زیبا و سوارکاری برازنده بود با سپاهیان برادر براه افتاد و از جیحون گذشت و پس از وداع از طرخانان که آنان را همراهی مینمودند به گرگان و طبرستان درآمد. درباره برگشت گردیه دینوری چنین گوید:

«پس گردیه براسب بهرام سوار شد و اسلحه او را دربر کرد و پیشاپیش آنها به راه افتاد تا به جیحون در نزدیکی خوارزم رسیدند و از رود بگذشتند و طرخانان نیز آنان را وداع گفتند و باز گشتند.»^{۳۴} در این هنگام بسطام (وستهم) دائی خسرو پرویز که در خلع هرمز از سلطنت و کشتن وی دست داشت و فرمانروای خراسان و قومس و گرگان و طبرستان بود. چون برادرش بندویه را خسرو پرویز کشت، از وضع خود نگران گردید و باکمک یاران و سپاهیان بهرام ششم (چوبینه) که در منطقه دیلم مستقر بودند، سر به طغیان برداشت و تاج بر سر نهاد و گردیه را به زنی گرفت.^{۳۵} بسطام (۵۹۲-۵۹۷) تمام منطقه شرقی و شمال شرقی را تحت تصرف خود داشت و شاه کوشان نیز به فرمان او درآمد. ولی خسرو آرام ننشست و به وسایل مختلف قدرت بسطام را درهم شکست و بگفته دینوری گردیه او را کشت^{۳۶} و پس از مدتی زن خسرو پرویز گردید.

با وجود کینه‌ای که خسرو پرویز از بهرام چوبینه داشت،

۳۴- رك : اخبار الطوال (ص - ۱۰۹) .

۳۵- رك : اخبار الطوال «گردیه را به نکاح وی درآوردند و او را بر تخت نشانند و تاج بر سر وی نهادند و همگی با اوتبعیت کردند و او را پادشاه خواندند» (ص - ۱۱۲) .

۳۶- رك : اخبار الطوال (ص - ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵) .

معینا کردی ۳۷ برادر او را گرامی میداشت و از مشاوران و نزدیکان او بشمار میرفت .

در اواخر دوران ساسانیان به افرادی از این دودمان برمیخوریم که صاحب مقام بوده و در جهت افتخار کشور خود کوششها نموده و حتی بمقام شاهی ارتقاء یافته اند .

چنانکه پس از گذشته شدن فرخان ، شهروراز جوانشیر را که کودک بود بشاهی برداشتند . او پسر خسرو پرویز و مادرش گردیه خواهر بهرام چوبین بود . جوانشیر پس از یکسال شاهی مرد (۶۳۰ م) . ۳۸

پس از دوران شهریاری کوتاه خسرو چهارم فیروز ۳۹ پسر مهران ، که از سوی مادر نوه خسرو انوشیروان بود به شاهی برداشتند ، چون تاج بر سرش گذاشت گفت ، من این تاج نخواهم که تنگ است . بزرگان این سخن نپسندیدند و او را خلع کردند . مدت شهریاری وی ششماه بود ۴۰ (سال ۶۳۱ م) .

در تاخت و تاز تازیان به ایران ، در جنگهای سهمگین سال ۲۲ هجری ، ری بدست تازیان افتاد ، «در این هنگام فرمانگزار و شهریار ری سیاوخش بود ، سیاوخش پسر مهران پسر بهرام چوبین از سوی یزدگرد سوم سرداری لشکریان ایران را در زادگاه خود داشت . ۴۱ اگر خیانت فرخان ، یکی از بزرگان که با سیاوخش دشمنی داشت نبود ، احتمال

۳۷- در شاهنامه نام برادر بهرام چوبینه گردوی آمده است .

۳۸- قباد دوم (شیرویه) تمام برادران خود را کشت ولی چون جوانشیر خردسال بود او را نکشته بود . رک : آناهیتا ، پورداود (ص - ۳۷۲) رک : اخبار الطوال ، دینوری (ص - ۱۲۱) .

۳۹ - فیروز پسر مهران جشنس «گشنسب» آناهیتا تألیف پورداود (ص - ۳۷۵) .

۴۰- رک : التنبیه والاشراف مسعودی (ص - ۹۶) .

۴۱- رک : آناهیتا تألیف پورداود (ص - ۲۲۶) .

داشت که رشادت این دلاور ایرانی مسیر تاریخ ایران را تغییر میداد. ۴۲

آثار زیادی در ری که مرکز این خاندان بزرگ بود و سران آن موروثی سمت مرزبانی داشته‌اند، وجود داشت که در اثر گذشت زمان و حوادث ایام از بین رفته است. ۴۳ در قرون اولیه اسلامی در منطقه ری و اطراف آثار و اماکن زیادی به نام خاندان مهران و اشکانیان بوده است، مانند درزشکان ۴۴ (دروازه اشکانیان) درز مهران (دروازه مهران)، محله درزمهران، بازار مهران و ده مهران که هر یک نمودار توجه افراد خاندان بهرام چوبینه به آباد کردن این ناحیه بوده است و علاوه بر این دلبستگی مردم ری را به حفظ خاطره این خاندان کهن که نزد آنان محترم و معزز بوده است می‌رساند.

دردامنه جنوبی کوهی که به سرسره معروف است، محل فعلی کارخانه سیمان شهر ری، نقش برجسته‌ای شاید نیمه تمام از دوره ساسانیان وجود داشت که فتحعلیشاه قاجار دستور به محو نقش داد

۴۲- ر ك : آن‌اهیتا - همینکه سپاه عرب بنزدیکی ری رسید، این نابکار کینه‌توز خود را به نعیم فرمانده عرب رسانید و از برای شکست دادن سیاوخش و گرفتن ری راه و چاه را بدشمن بنمود و خود با ده هزار عرب از کوه طبرک، از راه دروازه خراسان بشهر درآمد. (ص - ۲۲۶).

۴۳- ری از جهت موقع اقلیمی مساعد و محصولات فراوان داشت و بیشتر مردم به کار کشاورزی می‌پرداختند. پایه اقتصاد این سامان در دوران ساسانیان نه تنها بر پایه کشاورزی استوار بود بلکه مردم ری از رفت و آمد بازرگانان و کاروانان نیز بهره می‌بردند. ری در شاهراه بزرگ کاروان‌رو و ترانزیت که از تیسفون شروع می‌گردید و از هکمتانه (همدان) به ری، خراسان و ترکستان چین می‌رفته است قرار داشت.

۴۴- در جنوب کارخانه گلیسرین ویرانه باروی کهنه ری در جهت مشرق آن قرار دارد و قسمت شمالی آن به دامنه کوه مشرف به کارخانه سیمان است و ویرانه درزشکان هنوز موجود است.

که صورت وی را بجای آن نقر کنند. این نقش را چند تن از سیاحان خارجی دیده‌اند و در باره آن گویند که نقش از یکی از شاهان ساسانی است که با نیزه بدشمن حمله‌ور است.^{۴۵}

آیا این نقش برجسته ساسانی که بطور کامل کنده‌کاری آن به پایان نرسیده بوده است، از بهرام چوبین نیست که طرفداران بهرام پس از استقرار خسرو دوم (پرویز) با وجود قدرت خاندان سمران در ری، معیناً جرأت نکرده‌اند آنرا با تمام برسانند؟

اوضاع مالی و اقتصادی

وضع مالی ساسانیان در دوره کوتاه شهریاری بهرام ششم (چوبینه) بسیار درخشان بود، زیرا اداره امور مالی و اقتصادی کشور بر مبنای اساس و ترتیبی بود که در دوران شاهنشاهی خسرو اول (انوشیروان) (۵۲۱-۵۷۹) و سپس هرمز چهارم (۵۷۹-۵۹۰) قرار داشت^{۴۶} تشکیلات اداری و دیوان مالی و مالیاتی^{۴۷} ساسانیان در قرون اولیه تا حد زیادی به روش و طرز دوران پارتیان بود و اداره آن به عهده افرادی از شاهزادگان یا خاندان‌های بزرگ و اگذار میگردد و بیشتر مواقع بر حسب معمول و بحکم

۴۵- طرح این نقشه برجسته بوسیله ویلیام اوزلی (William Ouseley)

در سال ۱۸۱۲ میلادی، در دوران سلطنت فتحعلیشاه قاجار قبل از آنکه بدستور شاه قاجار محو شود تهیه گردیده است.

۴۶- دینوری گوید «خسرو انوشیروان دبیران رامامور ساخت تا مالیات

هر کدام را مقرر سازند» اخبار الطوال (ص - ۷۵)

۴۷- ر.ک: پایتخت‌های شاهنشاهی ایران (تیسفون)، ملک زاده بیانی

«دفاتر مالیاتی و سالنامه‌های سلطنتی در پایتخت بسیار مرتب و منظم بود بطوریکه آگاتیاس (Agathias) مورخ رومی که در قرن ششم می‌زیست ضمن منابعی که در تاریخ خود نام میبرد (از مجموعه سالنامه‌های مخازن دولتی تیسفون یاد میکند که توسط سرژیوس (Sergius) مترجم دربار انوشیروان از روی دفاتر

تیسفون اقتباس و بوی تسلیم گردیده است.

وراثت، پس از درگذشت آنان یکی از افراد آن خاندان ها جای او را میگرفت .

ضمنا افرادی از نجبای ساسانی صاحب اقطاع بودند و به یقین صاحبان تیول واقعات دارای اختیاراتی برای اداره امور منطقه تیول خود داشته‌اند و شرایط پرداخت مالیات آنان مناسبتر از مالیات و عوارضی بوده که بر املاکی که بوسیله عمال شاهی اداره میگردد، تعلق میگرفته است .

خسرو اول با تقسیمات کشوری برای کلیه امور اداری و لشگری و مالی نظام تازه‌ای ایجاد کرد و تشکیلات اولیه را تا حد زیادی تغییر داد . در سازمان مالی و مالیاتی تحولی بوجود آمد که بر پایه اصول و مبانی منضبطی استوار و به نفع عامه مردم بود .

حیات اقتصادی که مبتنی بر کشاورزی و بازرگانی بود، با اخذ عوارض گمرکی و عواید معادن و همچنین عواید املاک شاهی بطرز ثابتی اداره میگردد. آن کس که عهده دار دیوان مالی و امور تجاری و کشاورزی و مالیات ارضی بود، عنوان (واستریوشان سالار) را داشت^{۴۸} و کلیه امور تحت نظر او انجام میگرفت . از مأمورین مهم دیگر (آمارکار) است که ریاست محاسبات هر منطقه بعهده وی بوده است .^{۴۹}

در این دوره عواید گمرکی بسیار زیاد بود و تجارت تحت نظارت کامل قرار داشت لذا برای رفاه بازرگانان و حمل و نقل کالا در

۴۸- وستر = مرتع . واستریوشان = طبقه برزیگران

۴۹- در سال های ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۴ هیئت علمی آموزه متروپولیتن نیویورک به سرپرستی آبتن (J. M. Upton) محل قصر ابونصر را که در فاصله شش کیلومتری جنوب شرقی شیراز واقع است کاوش نمود و قلعه و آثاری از دوران پارتیان و ساسانیان بدست آورد. از جمله در حدود پانصد اثر مهر از دوران ساسانیان که بعضی از آنها بانقش و بعضی دیگر بانوشته پهلوی است. تعدادی از آنها مربوط بامور مالی است و کلمه (آمارکار) روی آنها نقر است.

جاده ها وسایل زیادی مانند ایستگاه ها و کاروانسرا ها، آب انبارها وجود داشت. حتی درسرحداث و بنادر نیز منزلگاه ها ساخته شد و مأمورینی برای حراست جاده ها و راه سازی و مراقبت ایستگاه ها تعیین گردید تا موجبات ناراحتی برای کاروانیان روی ندهد و آنان بتوانند با امنیت کامل در طول راه ها طی طریق کنند .

شاهراه بزرگ از تیسفون پایتخت با شکوه ساسانیان شروع می شد و از راه کنگاور (کنکبر) به هگمتانه (همدان) ، رگا (ری) به مرو و ترکستان به چین میرسید .^{۵۰} جاده های دیگری بجز شاهراه بزرگ وجود داشت که از سوئی به خلیج فارس و از سوی دیگر به بحر خزر منتهی میگردد یا از ری و پارت به هندوستان می پیوست .

درآمدهای دیگر عبارت بود از خراج و غنائم جنگی ، از زر و سیم انواع گورها و سلاح ها و پارچه های زربفت که به جز اسراء همه بخزانه تعویل میگردد^{۵۱} همچنین هدایا و پیشکش ها که در مواقع مختلف یا اعیاد نوروز و مہرگان به دربار شاهی میرسید . این رقم مهمی بود که به ازدیاد عواید مملکتی کمک میکرد و خزانه کشور را غنی می ساخت .

آنچه در مورد گنجینه ها و ثروت خزانه های شاهی و ذخائر و آتشگاه ها و کاخها و بالاخص تجمل کاخهای تیسفون گفته شده ، بقدری اعجاب انگیز است که افسانه مانند واغراق آمیز بنظر میرسد . با وجود تذبذرها و مصارف بیمهده خسرو دوم (پرویز) و حوادث

۵۰- این جاده ازدوران پارتیان به راه ابریشم معروف گردید. زیرا ازاین

راه تجارت بین چین با عرب صورت میگرفت .

۵۱- خزانه دار شاهی لقب گنزبر (گنجور) داشته است .

دوران انحطاط ساسانیان ، معمدا آنچه بدست تازیان افتاد وصف ناپذیر است .^{۵۲}

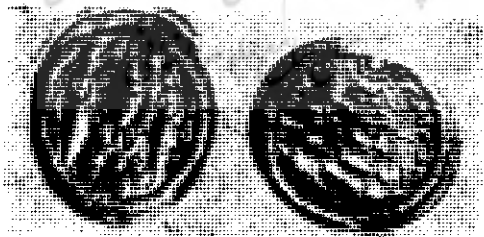
بنابر این مختصر ، چنین مستفاد می‌شود که بهرام ششم (چوبینه) در دوره کوتاه شهریاری خود از وضع مالی بسیار درخشانی برخوردار بوده است .

سکه‌های بهرام ششم

از بهرام ششم (چوبین) سکه‌های زر (دینار) و سیم (درهم) موجود است که از لحاظ نقش و وضع هنر کننده‌کاری تا حدی شبیه به سکه‌های هرمز چهارم است .

تصویر بهرام بر سکه ، جوانی را با چهره لاغر و عارضی باریک و چشمانی گیرا و نافذ ، بینی کوچک و گوش‌های ظریف با سبیل و ریش کوتاه را نشان می‌دهد . (ش ۱ و ۲ و ۳) .

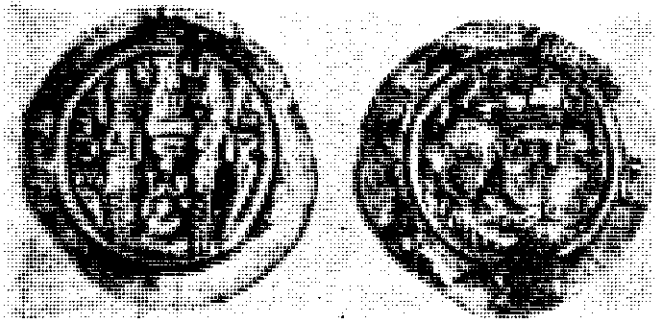
نقش بر سکه مطابقت دارد با گفته طبری « بگونه سیاه چرده ، ابروان پیوسته و به بالا دراز و بتن خشک بود ، باین جهت او را بهرام چوبین خواندند »^{۵۳}



دینار (زر) بهرام ششم ضرب آمل

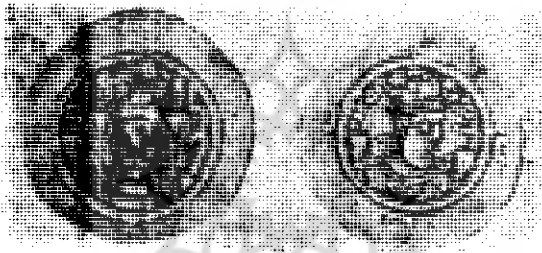
۵۲- برای مزید اطلاع ر.ک: پایتخت های شاهنشاهی ایران - تیسفون
تالیف ملك زاده بیانی (ص ۱۴۳- ۱۴۶- ۱۴۷)
۵۳- تاریخ طبری (ص- ۱۸۲)

شکل ۲



درهم (سیم) بهرام ششم ضرب نهاوند

شکل ۳



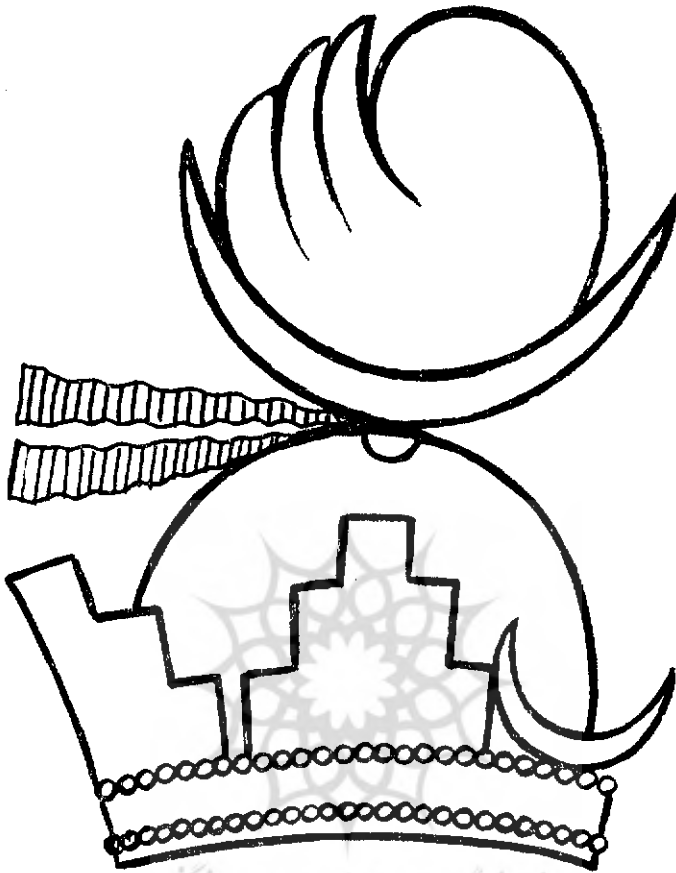
درهم (سیم) بهرام ششم ضرب ری (دگلا)

تاج وی زرین و کنگره دار است که لبه آن با دو ردیف مروارید تزئین یافته است.

درون تاج ، کلاهی مدور قرار دارد که در قسمت جلوی آن هلال ماه زرینی نصب است. بالای تاج از هلال ماه و گوئی ساده یا شعله مانند تزئین یافته است^{۵۴} (ش-۴)

در طرفین تاج ستاره نقر است و برگوش بهرام گوشواره ای با سه آویز بلند که تا روی گردن وی آمده است. موهای او در پشت سر

۵۴- تاج بهرام ششم شبیه تاج هرمز چهارم و خسرو اول (انوشیروان) میباشد ولی بلندی تاج اندکی کمتر است .



شکل ۱: پژوهشگاه علانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی
تاج بهرام ششم

بشکل گل مدوری جمع شده و گل گوهر نشانی بر روی آن نصب است. نقش نیم تنه بسیار زیباست و برحاشیه لباس دو ردیف جواهر نشانده شده و روی سینه دو قطعه گل مرصع نصب است. روی شانه ها هلال ماه و نوار چین داری که بطرف بالا در اهتزاز است ، مشاهده می شود .

نام بهرام ششم در زمینه سکه بخط پهلوی نقر است (ورهران-

افزوتو) ۵۵ (ش - ۵) در لبه خارجی سکه که ساده است سه هلال ماه منقوش است، مانند سکه خسرو اول (انوشیروان).

شکل ۵

السنكس = ورهران
ده ۱۳ = آفزو

پشت سکه: آتشدان مقدس قرار دارد که دو نگهبان آتش که معمولاً شاه و ولیعهد یا یکی از بزرگان یا شاهزادگان میباشند به حراست و حفاظت آتش ایستاده‌اند.

هریک از نگهبانان آتش، شمشیر بلندی بردو دست دارند، که بر زمین تکیه داده شده است.

آتشدان منقور برسکه بهرام ششم بشکل آتشدانی است که برای اولین بار برسکه‌های خسرو اول (انوشیروان) دیده میشود^{۵۶} این نوع آتشدان تا آخر دوره ساسانی برسکه‌ها نقر است.

آتشدان مطبق است و قسمت بالا که جای آتش است و پایه آتشدان

۵۵- کلمه افزوتو یا (افزو) یا (افزوتون) که از واژه افزودن است و جنبه دعا دارد یعنی فر و شکوه افزوده گردد که از اواسط دوره ساسانی بجای القاب شاهان بکار رفته است.

۵۶- آتشدان‌های منقور بر سکه‌های دوران اول ساسانی باین ترتیب است: برسکه‌های اردشیر اول آتشدان بسیار زیبایی قرار دارد که تمام فضای پشت سکه را پر کرده است. برای اولین بار برسکه‌های شاپور اول آتشدان بین دو نگهبان که شاه و ولیعهد میباشند، قرار دارد. بر تعداد کمی از سکه‌ها ایزدمهر بجای یکی از نگهبانان دیده میشود و آتشدان ساده‌تر است بعضی از سکه‌های هرمز دوم، شاپور دوم، شاپور سوم، بهرام چهارم، بهرام پنجم و بلاش باشعله‌های آتش درون آتشدان نیم تنه اهورمزدا نیز قرار دارد.

په‌ن می‌باشد وسط آن باریک و با دو نوار چین‌دار رو به بالا تزئین یافته است .

برفراز آتشدان شعله‌های مثلث شکل فروزان است و هلال ماه و ستاره در طرفین شعله‌ها قرار دارد .

دور نقش و حاشیهٔ ساده سکه را زنجیره‌ای فرا گرفته است . نام شهرکه سکه در ضرابخانهٔ آن ضرب شده به اختصار در طرف راست بین زنجیره و نگهبان نقر گردیده ^{۵۷} و در طرف چپ ، تاریخ ضرب سکهٔ منقوش می‌باشد . ^{۵۸}

سکه‌هایی که از بهرام ششم (چوبین) مورد مطالعه قرار گرفته است و تا کنون به آنها دست یافته ایم . ^{۵۹} ضرب ضرابخانه‌های ایران خوره شاپور (شوش) ^{۶۰} و اردشیر ^{۶۱} نهماوند، اهمتان ^{۶۲}

۵۷- در دوران سلطنت بهرام پنجم (۴۲۰-۴۳۹ م) گذاشتن نام ضرابخانه شهر بر سکه معمول گردید .

۵۸- تاریخ گذاری بر سکه‌های ساسانی از سال سوم سلطنت پیروز یعنی سال ۴۶۰ میلادی متداول گردید .

۵۹- مجموعه سکهٔ موزه بانک سپه، موزه ایران باستان، کتاب دمرگان (J-DE Morgan) کتاب Sasanian Coins تألیف Paruck کتاب گوبل Sasanidische Numismatik (GOBL)

۶۰- شاپور دوم (۳۱۵-۳۷۹ م) پس از آنکه شهر کهن شوش را بعلت شورش مردم آن شهر ویران ساخت مجدداً آنرا بنا کرد و ایران خوره شاپور نامید .
۶۱- اردشیر شهر زیبای سلوکیه را که سردار رومی در سال ۱۶۵ میلادی در جنگ با پارتیان ویران ساخته بود از نو آباد کرد و نام (وه اردشیر) بر آن نهاد . برای مزید اطلاع به گوشمید، تاریخ ایران (ص ۲۲۵) و کریستن‌سن، ایران در زمان ساسانیان (ص- ۱۱۵) مراجعه شود .

۶۲- همدان امروز همان هگمتانه دوران کهن است. در کتیبه‌های هخامنشی هگمتانا و یا هگمتانه و در کتیبه‌های آشوری بصورت همدانا و یا امدانا نام برده شده است. یونانیان آنرا اکباتان گفته اند و در دوره ساسانی اهمتان آمده است .

(همدان)، نیشابور، رامهرمز^{۶۳} یارام شهرستان^{۶۴} رگما (ری) آمل و بلخ است. (ش - ۶).

سال ضرب	نام شهر	
۶۴۳ هجری = یکم	لال = ای = ایران حوره شاپور	۱
" "	اگر = ده = وکه اردشیر	۲
" "	لال = نا = نهاوند	۳
" "	لاله = اه = آهنتان (همدان)	۴
" "	ارد = نیش = نیشابور	۵
" "	لالک = اران = ایران حوره شاپور	۶
" "	الار = هر = نهاوند	۷
" "	کله = را = رامهرمز	۸
" "	کچی = رد = رگما (ری)	۹
" "	لاله = ام = آمل	۱۰
" "	ایرک = بل = بلخ	۱۱
۶۵۵ = دوم		

شکل ۶

ضرابخانه‌های سکه‌های بهرام ششم (چوبینه)

۶۳- رامهرمز یکی از شهرهای کهن خوزستان بوده است که هرمز اول ساسانی آنرا بنیاد نهاد.

رك: نزهت القلوب «اورمزدین شاپورین اردشیر بابکان ساخت ورام هرمز

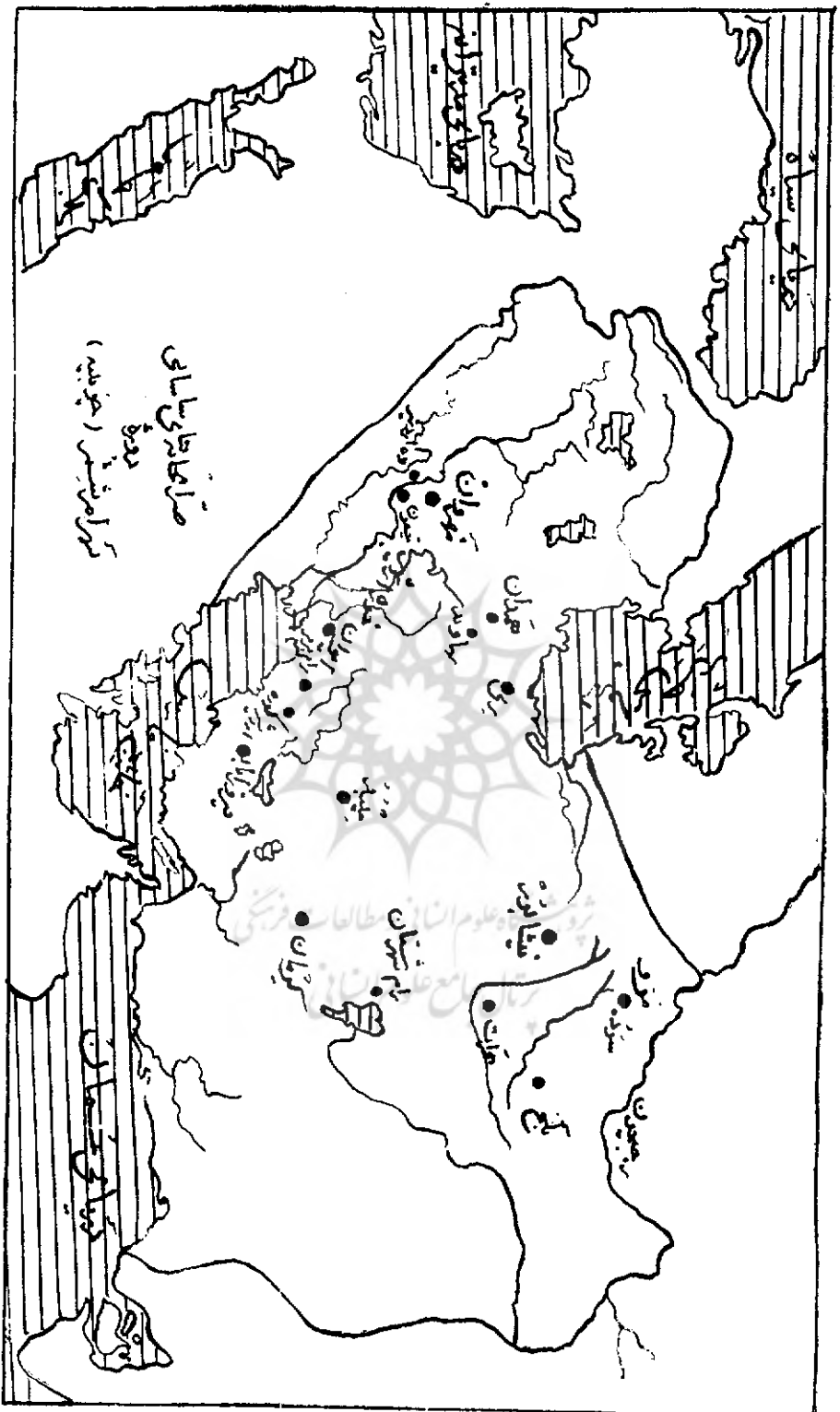
سکه‌های مورد مطالعه ضرب سال یکم سلطنت بهرام ششم است و سکه ضرب ضرابخانه بلخ از سال دوم شهریاری وی میباشد. لذا محتمل است این سکه در اواخر دوران سلطنت وی ضرب زده شده باشد و یادرزمانیکه در پناه شاه ترکان در بلخ میزیسته است. اگر این سکه متعلق به دوران اقامت و پایان زندگی وی در بلخ باشد، چنین مستفاد میشود که بهرام ششم (چوبینه) هنوز خود را شاهنشاه ایران زمین دانسته و با این سمت بضرپ سکه ادامه داده و شهریاری وی مورد تأیید شاه ترکان بوده است. در نتیجه با در دست داشتن سکه سال دوم شهریاری بهرام ششم میتوان بدون تردید دوران سلطنت او را بیش از یکسال دانست (سال ۵۹۰-۵۹۱ میلادی).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 کتابخانه دیجیتال

خوانند و بمرور رمز شد» (ص-۱۳۲) ر.ک: لسترنج (ص-۲۶۲) مسالك الممالك : (ص- ۹۰-۹۲-۹۴)

۶۴- یکی از شهرهای مهم سیستان (سگستان) است، این شهر در قرون اولیه اسلامی در زیر شن های کویر مدفون گردید، ر.ک: مسالك و ممالك، «میان کرمان و سیستان بناهای عظیم مابندست گویند شهر در قدیم بودست و آن را رام شهرستان خواندند» (ص- ۱۹۴) ر.ک: لسترنج «زرنج در زمان سلاطین قدیم ایران کرسی سیستان نبوده بلکه مرکز آن «رام شهرستان» که به آن «ابر شهریار» نیز میگفتند بوده است. (ص - ۳۶۴)



صالح علی حسینی
دوره
مهرماه ششم (چونین)